

ایالات متحده محور موجود در ارائه کمک‌های خارجی، تأثیر گذاشته است؟». پاسخی که به‌عنوان فرضیه به این پرسش داده شده این است که گسترش سریع کمک‌های خارجی چین در سال‌های نخست هزارهٔ جدید به همراه رویکرد و عملکرد متفاوت چین در ارائهٔ این کمک‌ها، سبب به چالش کشیده شدن جایگاه و الگوی مورد نظر ایالات متحده در ارائهٔ کمک‌های خارجی شده است.

بر اساس این فرضیه افزایش سریع کمک خارجی چین و تفاوت رویکرد و عملکرد این کشور در ارائهٔ کمک خارجی، متغیرهای مستقل تحقیق و جایگاه جهانی ایالات متحده در ارائهٔ کمک خارجی و الگوی مسلط این کشور در این عرصه، متغیرهای وابسته به‌شمار می‌روند. در اینجا مقصود از تفاوت در رویکرد و عملکرد چین در ارائهٔ کمک از نظر عملیاتی بدین معناست: ۱. تفاوت در رویکرد توسعه‌ای چین در ارائهٔ کمک خارجی؛ ۲. تفاوت در رویکرد سیاست خارجی چین در ارائهٔ کمک؛ ۳. تفاوت در روش‌های عملی ارائهٔ کمک چین. به‌منظور آزمون فرضیه، پس از تمهید چهارچوب نظری مناسب، به تحلیل این تفاوت‌ها و پیامدهای آنها در کشورهای دریافت‌کنندهٔ کمک که به بروز الگوی متمایز چین در ارائهٔ کمک خارجی شده است، پرداخته‌ایم.

۱. الگوهای متفاوت ارائهٔ کمک خارجی

کمک خارجی را می‌توان به‌عنوان انتقال منابع از دولت یا نهاد عمومی یک کشور یا گروهی از کشورها به دولت یا نهادهای عمومی دیگر کشورها به هر منظور یا برای انجام هر هدف یا تعهدی تعریف کرد. انتقال این منابع فقط زمانی به‌عنوان کمک در نظر گرفته می‌شود که شامل عناصری از معامله یا اجبار برای جبران خسارتی نباشد (بالام و وست، ۱۳۹۷: ۲۱۶).

در ادبیات نظری دربارهٔ عوامل مؤثر بر اختصاص کمک خارجی دیدگاه‌های متفاوتی مطرح شده است. در یکی از این الگوهای نظری نیازهای کشور دریافت‌کنندهٔ کمک به‌عنوان عامل اصلی در تخصیص کمک خارجی، توجیه شده است. این الگو بر این نکته تأکید دارد که کشورهای دریافت‌کنندهٔ کمک، عمدتاً با فقر شدید و کمبود منابع روبه‌رو هستند و به واسطهٔ وجود چرخهٔ باطل فقر، امکان